

بررسی عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی مؤثر بر جرم سرقت مرتبط با جوانان

شهر سنندج در سال ۱۳۹۷

سید عزیز رفعتی اصل^۱، سید مرتضی نوربخش^۲، مریم موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: بروز و افزایش جرم سرقت در میان جوانان جامعه یکی از مشکلات روزافزون است. این تحقیق در پی بررسی عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی مؤثر بر جرم سرقت و ارائه راه‌حل‌ها و راهکارهای متکی بر پژوهش در سطوح خرد و کلان برای کاهش و تعدیل جرم که در بین جوانان بزه کار که به دلایل متعدد از جمله اجتماعی، انتظامی و... شایع است، می‌باشد.

روش پژوهش: تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و مقطعی می‌باشد که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل، جوانان مجرم مرتکب سرقت ساکن در شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ است. که این تعداد شامل ۵۰۰ نفر بوده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است، برای بررسی معنی‌داری و میزان تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: در نهایت متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی در میان عوامل اجتماعی با تاثیر ۹۱ واحدی بر متغیر وابسته، بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارد. متغیر تکنیک‌های پیشگیری وضعی در میان عامل انتظامی با میزان تاثیر ۸۵ واحدی در مقام دوم تاثیر بر متغیر وابسته قرار دارد و متغیرهای میزان دینداری، ارتباط با دوستان مجرم و ساختار خانواده به ترتیب با تاثیر ۴۰، ۳۲ و ۸ واحدی در مقام- های سوم تا پنجم تاثیر بر متغیر وابسته قرار دارند. یافته‌ها و نتایج نشان داد که، مقدار ضرایب متغیرهای مستقلی که وارد مدل شده‌اند، از ۰/۳۱۰ تا ۰/۵۵۶ متفاوت است. و این به این معنی است که متغیرهای مستقلی که به مدل وارد شده‌اند از ۳۱/۰ درصد تا ۵۵/۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: سرقت، پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تکنیک‌های پیشگیری وضعی، دینداری، ساختار خانواده.

۱. مربی عملیات انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین و عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران، نویسنده مسئول،

tjavad33@yahoo.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه البرز، قزوین، ایران

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

کج‌روی و جرم در جوامع انسانی پدیده‌ای تاریخی است و در همه جوامع بشری و در کلیه مقاطع تاریخی رواج داشته است. به اعتقاد کارشناسان مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسان، جرایم اجتماعی که در تمام اعصار جوامع وجود داشته است، در برخی از شرایط با گسترش دامنه جرایم معضلاتی ایجاد می‌نماید که تداوم حیات اجتماعی را با خطر جدی مواجه می‌سازد. علائم هشدار دهنده‌ای نظیر افزایش ارتکاب جرایم با توجه به رشد جمعیت، افزایش تنوع جرم، کاهش سن ارتکاب جرم، ارتکاب علنی بسیاری از جرم علیه اخلاق و عفت عمومی در جامعه‌ای که دارای فرهنگ غنی و مبتنی بر اخلاق است، قابل تأمل و دقت بیشتری است. (کازمی، ۱۳۸۸: ۱۰-۹).

افزایش بی‌رویه جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی به یکی از مشکلات حاد در اکثر شهرهای جهان تبدیل شده است. به طور کلی بزه‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد ناامنی و بدبینی، لطمات سنگین روحی، جسمی و مالی بر دوش شهروندان می‌گذارد. بزه‌کاری جوانان و نوجوانان پدیده‌ای ناخوشایند است، که گسترش آن در جلوه‌های گوناگون این پدیده همچون سرقت، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و... می‌تواند امنیت اخلاقی جامعه را به خطر اندازد و آن را با مشکلات فراوان و بغرنج روبرو سازد و تهدیدات جدی را برای مسئولان و برقراری امنیت اجتماعی فراهم آورد. بزه‌کاری هنوز به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی می‌شود و به دلیل رکود اقتصادی و مسائل اجتماعی تأثیرگذار بر جوانان، شاید نرخ آن افزایش هم پیدا کند (شومیکر، ۱۳۸۹: ۱۴).

بدیهی است عوامل گوناگونی در وقوع جرم دخالت دارند و کنترل برخی از آن عوامل از حیطة کار پلیس خارج است و به همین دلیل است که پلیس به تنهایی قادر نیست که بر مشکلات پیشگیری از جرم غلبه کند و از طرفی پیشگیری از جرم نیازمند بودجه، اعتبارات، تجارب، آموزش و درایت می‌باشد.

ارکان اصلی هر بزه کاری سه عامل جرم و مجرم و بزه دیده است، لذا برای پیشگیری از جرم ضروری است هر سه عامل فوق هم زمان مد نظر قرار گیرند و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و... مطالعه و بررسی شوند. و در پیشگیری از جرائم لازم است سازمان‌های دیگر و مردم در این امر مهم با پلیس همکاری کنند. جرائمی همچون سرقت که بر علیه اموال و مالکیت مردم صورت می‌گیرد یکی از مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های اجتماعی است و اساساً سبب تزلزل اقتصادی شده و مردم را از کار و فعالیت دلسرد می‌کند زیرا کوشش خود را نابود شده می‌بیند و به همین منظور در اکثر جوامع آن را امری خلاف شرافت انسانی به حساب می‌آورند (شعبانی، ۱۳۸۵: ۳).

ما در این تحقیق ضمن ارائه تمامی نظریه‌های مرتبط با بزه کاری و جرم، از طبقه‌بندی هاگان استفاده نموده که نظریات کجروی را در ذیل آن آورده شده است. هاگان نظریات جامعه‌شناسی انحرافات را در سه رویکرد طبقه‌بندی کرده است. رویکرد کارکردی - ساختی، رویکرد کنش متقابل نمادین و رویکرد تضاد. مزیت دسته‌بندی مذکور نسبت به سایر دسته‌بندی‌ها مختص جامعه‌شناس نبوده و از آنجا که این نوع طبقه‌بندی در نظریات جامعه‌شناسی معمول می‌باشد، از سایر طبقه‌بندی‌ها مفیدتر است. در این راستا یکی از راه‌های مناسب که به طور روزافزون مورد توجه دست اندرکاران و سازمان‌های ذیربط قرار گرفته است، دست‌یابی به چشم‌اندازی دقیق از وضعیت آسیب‌های اجتماعی و جرم است که سبب بالا رفتن آگاهی از شرایط موجود و در نتیجه افزایش توان آن‌ها برای برنامه‌ریزی‌های سودمندتر و مؤثرتر می‌باشد. بر اساس آخرین آماری که در سال ۲۰۰۷ توسط مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها منتشر شده است تا اکتبر ۲۰۰۶ بیش از ۹,۲۵ میلیون نفر در سراسر جهان در زندان به سر می‌برند. بنابر گزارشی دیگر، آمار زندانیان کل کشور تا پایان مردادماه سال ۱۳۸۹ به

بیش از ۲۰۴ هزار نفر رسیده و در مقایسه با سال قبل افزایش ۳۵ درصدی از خود نشان داده است. به عبارت دیگر در ایران به طور متوسط از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۲۷۱ نفر در زندان هستند. (مرکز بین المللی مطالعات زندان‌ها)

با توجه به اینکه پدیده آسیب‌های اجتماعی مرتبط با جوانان که آینده‌سازان جامعه خواهند بود، مانند کوه یخ بوده و قسمت آشکار آن بیان‌گر تمامیت موضوع نمی‌باشد؛ لذا تعیین روابط بین موارد آشکار و پنهان آن در جامعه امری ضروری تلقی می‌شود. با توجه به این که هدف اصلی این تحقیق، تحلیل و ریشه‌یابی جرم و آسیب‌های اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن (با تأکید بر بررسی موردی جرم سرقت) و ارائه راه‌حل‌های مناسب برای اصلاح، رفع و پیشگیری از آن‌هاست، لذا تلاش می‌شود تا بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادهایی کاربردی نیز در همین راستا ارائه شود.

پدیده جرم «علیه اموال» به طور کل یکی از جرائم محرز در سطح جامعه است که جنبه‌ها و ابعاد مختلفی را به خود گرفته و یکی از انواع شایع این گونه جرایم سرقت می‌باشد. بروز و افزایش این جرم در میان جوانان جامعه یکی از مشکلات روز افزون بر خود مسأله است و از آنجا که دوره‌ی جوانی در حیات انسان از اهمیت خاصی برخوردار است و جوان تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلف قرار می‌گیرد، لذا بررسی علل و عوامل بزه‌کاری جوانان از جمله جرایم علیه اموال می‌تواند راهکار مناسبی جهت شناسایی ریشه‌ها و خشکانیدن این ریشه‌ها باشد. هم‌چنین آگاهی نسبت به عوامل مؤثر بر انجام این نوع از جرائم و این که چگونه می‌توان این معضل اجتماعی را کاهش داد و از تکرار جرم و تبدیل شدن این جوانان به مجرمان حرفه‌ای جلوگیری کرد، بر اهمیت موضوع می‌افزاید. اگر نتایج حاصله از این گونه تحقیقات در اختیار مسئولین امر و دست‌اندرکاران مربوطه قرار گیرد، می‌تواند کمکی در راه درک و شناخت مجموعه علل و عوامل مؤثر بر وقوع این نوع از جرایم باشد و در نهایتاً می‌تواند نقش مهمی

در اصلاح وضع موجود جامعه ایفا نماید. هم چنین ضرورت این موضوع بر کسی پوشیده نیست که با ارائه پیشنهاد های قابل اجرا و در نظر گرفتن تمام جوانب و امکانات می توان تا حد زیادی با مسأله مقابله کرده و از افزایش آن جلوگیری نمود. در نتیجه انجام تحقیقات به صورت علمی و عملی برای مقابله با این آسیب که دامنه و ابعاد وسیعی دارد، اولین قدمی است که در این راستا می توان برداشت.

مبانی نظری تحقیق

ماهیت و محتوای رفتار کج روانه در جوامع و مقاطع زمانی مختلف، متفاوت است. بنابراین نظریه واحدی نمی تواند تبیین جامعی از چرایی و چگونگی جرم ارائه دهد. واضح است که هیچ کدام از نظریه ها نمی تواند تبیین جامعی از مسائل و پدیده های اجتماعی ارائه دهند، بنابراین هر کدام از نظریه ها ابعاد خاصی از پدیده ها را تبیین می نمایند. ولی اشراف به نظریه های موجود می تواند به درک معقول رفتار کج روانه کمک کند. با گزینش و ترکیب آن ها می توان برای درک و تجزیه و تحلیل انحرافات موجود در جامعه چارچوبی تئوریک سازمان داد.

ویلیام گود با استعانت از نظریه آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم ترین آژانس اجتماعی کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می کند و هر گونه نابسامانی و بی سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه کار و کجرو دخیل می داند. گود معتقد است (خانواده) کانون و هسته اصلی شکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی زیربنای جامعه بزرگ تری را فراهم می کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). بنظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود بطور مناسب و شایسته ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی بوجود می آید.

گسیختگی خانوادگی موجب بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله سرقت می‌شود. هارلوگ چون ویلیام گود منشأ نژندی و نابهنجاری را در محیط فامیلی و در ساختارهای خانوادگی جستجو می‌کند و آن را معلول نحوه تربیت، مکانیسم‌های جامعه‌پذیری خانواده و نیز چگونگی و کیفیت رشد شخصیت کودک در خانواده می‌داند. بزعم هارلوگ جوانان و نوجوانانی که در زندگی بزرگسالی رفتارهای غیرعادی و ضد اجتماعی از خود بروز می‌دهند افرادی هستند که از زمینه‌های خانوادگی سالم و مولد برخوردار نبوده‌اند.

در بین تئوری‌های اشاره شده در مبانی نظری، تئوری‌هایی که به تبیین رابطه دین‌داری و جرایم می‌پردازند نظریه‌های کنترل هیرشی بوده که توانایی بیشتری نسبت به سایر تئوری‌ها دارند.

تئوری‌های کنترل معتقدند که ذات بشر نه متکی به بر اخلاق و نه غیر آن (ضد اخلاق) است. بنابراین در اینجا امکان کج‌روی قطعی و ایجاد هم‌نواپی است که باید ریشه‌یابی شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۵۱).

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش فرض استوار است که رفتار بزه کارانه متعلق به همه طبقات اجتماعی است و جنبه‌ی عمومی و جهان شمول دارد و نتیجه‌ی کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی است. عوامل کنترل‌کننده اجتماعی شامل وابستگی و تعلق به نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و دین می‌شود. (Gottfredson and Hirsehi: ۱۹۹۸, Elliot, ۱۹۶۹, Hirsehi: ۱۹۵۸, Nye: ۱۹۹۰: به نقل از زنگنه، ۱۳۸۳).

در یک دسته از نظریات کج‌روی که به مسأله «کنترل» تمرکز دارند به کنترل از طریق قدرت و کنترل از طریق مذهب اشاره شده است.

الگوی کنترل اجتماعی تراویس هیرشی، به نقش ضعیف بودن ابزارهای بیرونی و جمعی کنترل رفتار در شکل‌گیری کج‌روی اشاره می‌کند و کج‌روی را نوعی غلبه‌ی خواسته‌های فردی در زمان ضعف اقتدار جمع می‌داند؛ و از سوی دیگر نقش ابزارهای درونی کنترل را مؤثر بر کاهش کج‌روی می‌داند.

به نظر هیرشی دل‌بستگی، تعهد، مشارکت و باور عوامل مهم در کاهش کج‌روی‌ها می‌باشد. یکی از کارکردهای دین عامل انسجام‌بخشی از طریق انجام مراسم و مناسک می‌باشد. بر این اساس دین یکی از مهمترین مقوله‌های اجتماعی است که به نوعی تمامی این عوامل را در خود داشته و باعث پیشگیری از بروز کج‌روی‌ها (و در حالت شدیدتر، جرم) می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که افراد دین‌دار دارای کج‌روی پایین‌تری نسبت به سایر افراد جامعه باشند.

در مجموع، طبق نظریه‌ی کلی کارکرد اجتماعی باید بر کارکرد اجتماعی دین در خصوص آنچه برای مقید کردن پیروانش به نظم اخلاقی جامعه می‌دهد، پای فشرده، باورها و تعهدات دینی به وسیله‌ی ارائه ممانعت‌های اخلاقی قوی و از طریق کاهش تعامل با همسالان منحرف باعث هم‌نوایی فرد می‌شود. بنابراین دین باعث هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی است که به طور معناداری بر رفتار انحرافی اثر منفی می‌گذارد. بنابراین بر اساس این نظریه می‌توان به متغیرهایی از قبیل دینداری جوانان در تبیین رفتار بزه‌کارانه مجرمین سود جست.

هم‌چنین نوع پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده از طرفی موجب به وجود آمدن نظام خاصی از ارزش‌ها برای خانواده می‌شود که جامعه‌پذیری فرد در بستر آن شکل می‌یابد از طرف دیگر موجب کنش متقابل با افراد خاصی می‌شود که به رفتار فرد جهت می‌دهد. کسانی که به پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری تعلق دارند احساس محرومیت

در بین آنان نسبت به کسانی که دارای پایگاه پایین تری می‌باشند، کمتر است، بنابراین این افراد معمولاً کمتر به رفتارهای مجرمانه روی می‌آورند (مرتون).

کوهن معتقد است که در بسیاری از موارد مسأله دزدی و ارتکاب جرایم گوناگون به خاطر یک هدف سودمند گرایانه انجام نمی‌گیرد، در بسیاری از موارد خرده فرهنگ کج‌رو از نفس این امر لذت می‌برد. به همین دلیل صدمه زدن به اموال دیگران نوعی تفریح به حساب می‌آید. ترساندن افراد عادی، حمله به آن‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز در میان این خرده فرهنگ‌ها نوع دیگری از سرگرمی است. کسانی که در این زمینه موفق‌تر باشند یا شجاعت بیشتری نشان دهند منزلت بیش تری به دست می‌آورند (کوهن به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

دیدگاه کوهن نیز بر این مبنا است که پسران طبقه پایین آرمان‌های موفقیت فرهنگی کلی جامعه را با خود دارند، اما عمدتاً به علت شکست تحصیلی و در نتیجه از دست دادن مشاغل مهم فرصت ناچیزی برای دست‌یابی به اهداف خود می‌یابند. آن‌ها از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند و لذا در مقایسه و رقابت با طبقه متوسط دچار نارضایتی و ناکامی می‌گردند و لذا این ناکامی‌ها سبب می‌شود آن‌ها به سوی خرده فرهنگ بزه‌کاری گرایش پیدا کنند تا بتوانند مشکل محرومیت از پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حل کنند. (گلچین، ۱۳۸۵).

از دیدگاه ساترلند رفتار بزه‌کارانه آموختنی است، رفتار بزه‌کارانه در تعامل با دیگر اشخاص در عرصه فرایندی ارتباطی آموخته می‌شود، بخش اصلی آموختن رفتار بزه‌کارانه در گروه‌های صمیمی شخصی رخ می‌دهند و فرایند آموختن رفتار بزه‌کارانه بواسطه هم‌نشینی با الگوهای بزه‌کارانه و ضد بزه‌کارانه، تابع همان مکانیسم‌هایی است که انواع دیگر آموختن را نیز در برمی‌گیرد. از آنجا که زنان به نسبت کمتری از مردان با گروه‌های ناهمنوا و خرده فرهنگ‌های کج‌رو رابطه دارند بنابراین کمتر به کج‌روی

دست می‌زنند(هیرشی و ساترلند) همچنین داشتن پیوندهای قوی و یا فراوانی بالا با افراد هم‌نوا با هنجارهای جامعه و پایبندی بیشتر با اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت رسیدن به اهداف، عدم تعادل بین این دو را کاهش داده است بنابراین باعث کاهش کج‌روی‌ها و جرایم می‌شود(هیرشی).

نظریه، حمایت گروهی و کژرفتاری لنسوف و وستلی، از نظر آنان مسأله اساسی در کج‌روی افراد این است که روابط افراد کج‌رو این امکان را به آنان می‌دهد که گروهی را برای خود پدید آورده و در طریقی که دلخواه اعضای گروه است زندگی کنند. افراد این گروه دارای نیازها و تمایلات مشترکی هستند که هم با تمایلات و نیازهای راست رفتارن مغایر است و هم جامعه آن‌ها را ننگین و مذموم دانسته و مستوجب کیفر می‌داند (اشرف، ۱۳۵۴: ۸۰). لنسوف و وستلی سه نوع وابستگی و حمایت گروهی را از یکدیگر متمایز می‌دانند:

۱- وابستگی فکری و اخلاقی، ۲- وابستگی رابطه‌ای و ۳- وابستگی مادی.

بر اساس دیدگاه نظریه پردازان حمایت گروهی، فردی که با اعضای گروه بزه‌کار ارتباط دارد و یا عضو آن گروه است نیازهای خود را با نیازهای گروه تطبیق می‌دهد و حوزه‌ای از نیازهای مشترک را می‌سازد که وی را از لحاظ فکری، رابطه‌ای و مادی به گروه وابسته می‌کند و در نتیجه در خدمت اهداف بزه‌کارانه گروه قرار می‌گیرد.

و بر نیز معتقد است، از طریق آموزه‌های دینی چنین وانمود می‌شود که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان، ظاهری‌اند. بدینسان دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را معنادار و سامان‌مند جلوه دهد. اگر تفسیر گسترده‌تر دین را در نظر بگیریم خوشبختان، سزاوار خوشبختی و بدبختان، سزاوار بدبختی‌اند و یا بدبختی آنان در این جهان مادی موقتی، و در جهان دیگر پاداشی را که سزاوار آن هستند، دریافت خواهند کرد.

بنابراین به تعبیر او، دین همان چیزی را فراهم می‌کند که وبر آن را «توجیه الهی» بدبختی و خوشبختی می‌نامد (بیابانی، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۴).

نهایتاً تکنیک‌های پیشگیری وضعی در سال ۱۹۹۳ توسط کلارک ارائه شد و شامل ۱۲ تکنیک برای پیشگیری از انواع جرائم بود، این تکنیک‌ها در سه دسته ارائه شد و هر یک از این سه گروه نیز خود به چهار گروه تقسیم می‌شد.

دسته اول، افزایش تلاش برای جلوگیری از ارتکاب جرم بود که شامل چهار تکنیک می‌باشد: سخت کردن هدف، کنترل دسترسی به آماج جرم، منحرف کردن بزه‌کاران از آماج‌های جرم و کنترل وسایل تسهیل‌کننده‌ی جرم؛ دسته دوم، مربوط به تدبیر افزایش خطرات جرم بود که خود چهار تکنیک زیر را در بر می‌گرفت: کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، نظارت رسمی، نظارت به وسیله کارکنان و بالاخره نظارت طبیعی؛ هدف دسته سوم از تدابیر پیشگیری وضعی، کاهش منافع قابل پیش‌بینی حاصل از جرم از طریق از دسترس خارج کردن آماج جرم، مشخص کردن اموال، کاهش وسوسه و نهایتاً از بین بردن منافع جرم بود (محمدنسل، ۱۳۸۷).

دسته چهارم تحت عنوان «از بین بردن بهانه‌ها» آنها را به ۱۶ تکنیک افزایش دادند این امر موجب شد که شمول تدابیر وضعی به جرائم دیگری مانند فرار از مالیات، تخلفات ترافیکی، آزار جنسی و سرقت اموال محل کار توسط کارکنان، نیز تعمیم پیدا کند. (کورنیش و کلارک، ۲۰۰۱)

در نهایت و در ارتباط با تکنیک‌های پیشگیری وضعی از مباحث، نظرات و دسته‌بندی‌های مطرح شده کورنیش و کلارک در سال ۲۰۰۱ با اضافه کردن دسته پنجمی به تکنیک‌های پیشگیری وضعی این تکنیک‌ها را به ۲۵ تکنیک افزایش داده و در پنج دسته افزایش زحمت، افزایش خطرات، کاهش منافع، کاهش تحریک، حذف بهانه‌ها گنجانده‌اند. که در این تحقیق به سه دسته اول اکتفا گردیده شده است.

جدول ۱ مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق، نظریه‌های مرتبط در نظر گرفته شده و سطح

سنجش آن‌ها

متغیر	نظریه مرتبط	نظریه پرداز	سطح سنجش
ویژگی‌های خانواده	نظریه آنومی و ساختار خانواده (گود)، نظریه اختلاف خانوادگی و رشد شخصیت (هارلوک)	ویلیام گود، هارلوک	ترتیبی
دوستی با افراد دارای سابقه جرم	نظریه همنشینی افتراقی	ساترلند	ترتیبی
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	فشار ساختاری (مرتون)، نظریه ناکامی منزلتی (کوهن)	مرتون، کوهن	ترتیبی
میزان دین داری	نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی)، نظریه مرتبط با دینداری (دورکیم)	هیرشی، دورکیم	ترتیبی
تعلقات اجتماعی	نظریه کنترل اجتماعی	هیرشی	ترتیبی
تکنیک‌های پیشگیری وضعی	نظریه‌های مرتبط با تکنیک‌های پیشگیری وضعی	کلارک، هومل و کورنیش	ترتیبی

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد بین (ویژگی‌های خانواده، ارتباط با بزه کاران، پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، میزان دینداری تعلقات اجتماعی و تکنیک‌های پیشگیری وضعی به تفکیک) و میزان جرایم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تجربی تحقیق

حسینی (۱۳۷۱) در پژوهشی، ۳۰۰ نفر سارق را انتخاب و از روش‌های مطالعه پرونده، مصاحبه و پرسشنامه استفاده نموده و پیرامون سرقت در ایران به این نتیجه رسیده است که: بین زمان و نوع سرقت رابطه وجود دارد. بیشتر سرقت‌ها در شب صورت می‌گیرد و بیشترین سرقت‌ها در فروردین و تعطیلات آخر شهریور به وقوع می‌پیوندد، دلیل آن

هم خالی بودن خانه و در مسافرت بودن مردم است. سرما و گرما در نوع سرقت مؤثر بوده است. در فصل سرما به علت طولانی بودن ساعات شب، سرقت اتومبیل و وسایل آن بیشتر از سایر فصول می‌باشد، از طرفی جیب‌بری به علت اینکه پوشش زیاد حساسیت فرد را نسبت به تماس کاهش می‌دهد، افزایش یافته است. متداول‌ترین سرقت، سرقت از منازل می‌باشد و از اوایل نوجوانی شروع شده و در سنین ۱۹-۳۰ سال به اوج خود می‌رسد، در ۶۰ سالگی به پایین‌ترین حد خود می‌رسد و اصولاً سرقت مخصوص جوانان است. سرقت و اعتیاد با هم رابطه متقابل دارند. گاه اعتیاد و نیاز به مواد مخدر عامل سرقت است و گاه سرقت پول‌های کلان عاملی برای کشیده شدن فرد به طرف اعتیاد می‌باشد. عوامل خانوادگی که در بروز سرقت مؤثر می‌باشند، شامل ناسازگاری، نامادری، لاپالایی بودن پدر، عدم کنترل خانواده، فرار از خانه، بی‌سوادی یا نداشتن سواد ابتدایی است.

جکال (۲۰۰۵)، در بررسی شناخت تئوری‌هایی که ویژگی‌های زندگی خانواده را با جنایات و تخلفات فرزندان پیوند می‌دهد و فشاری که در این زمینه و از طرف خانواده-ها به فرزندان وارد می‌شود دست به مطالعه زده است. او به عوامل مؤثری چون طلاق و جدایی، زندگی منفرد، عدم انضباط صحیح و مناسب، نظارت ضعیف و غیرکافی بر فرزندان اشاره می‌کند. هم‌چنین به ویژگی‌های دیگر خانواده‌های افراد بزه‌کار و مجرم اشاره کرده و از جمله عدم وابستگی و ارتباط مثبت عناصر اصلی خانواده، فقر و تنگدستی و از دست دادن پایگاه شغلی را ذکر کرده است. و تأثیر اعتیاد والدین بر فرزندان را نیز از جمله مهم‌ترین آثار مخرب خانواده بر فرزندان نام برده است.

مرادی (۱۳۷۸)، در تحقیقی با نام «بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب سرقت در میان نوجوانان شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۷»، هدف از انجام این پژوهش را مشخص نمودن وضعیت سرقت در جامعه مورد بررسی، خصوصاً افراد مورد مطالعه و شناخت نوع

سرقت و پی بردن به علل و عوامل مؤثر این پدیده دانسته است. متغیرهای تحقیق شامل پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فرصت‌های خانوادگی، ارتباط با سارقین در دوستان و در خانواده، پیوند با خانواده و جامعه، محل تولد، بعد خانوار و ساخت خانواده می‌باشد. روش تحقیق، روش پیمایشی از نوع علمی - مقایسه‌ای بوده و تکنیک مورد استفاده در جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. نمونه گروه سارق ۴۵ نفر که در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند و گروه غیرسارق دانش‌آموزان دبیرستانی ۱۸-۱۲ ساله را تشکیل می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که بین دو گروه نوجوان سارق و غیرسارق (نوجوانان عادی) به لحاظ تمام متغیرهای مورد بررسی تفاوت وجود دارد و نتایج آزمون، رابطه و تحلیل درصدی نیز مؤید همین نکته می‌باشد.

ملکیان و شریفیان (۱۳۸۷)، در تحقیقی به بررسی علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم پرداخته‌اند. در این تحقیق عواملی از قبیل تحصیلات خانواده، خانواده نابسامان، فقر، میزان مذهبی بودن، ارتباط با افراد ناباب، زندگی در محلات فقیرنشین و جرم‌خیز، ازدواج‌های ناموفق مورد توجه نگارندگان بوده است. هدف کلی این پژوهش شناسایی و سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم زنان زندانی و هدف فرعی آن بررسی میزان جرائم بر حسب گروه سنی، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی و منطقه مسکونی است. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی می‌باشد جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت است از کلیه زنان زندانیان استان گلستان در سال ۱۳۸۷. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی سیستماتیک بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول برآورد نمونه ۹۰ نفر تعیین شده است. یافته‌ها و نتایج تحقیق عبارتند از این که زنان مجرم با زنان غیر مجرم از لحاظ تعلقات مذهبی اختلاف معناداری با هم ندارند. به عبارت دیگر تعلقات مذهبی در به زندان افتادن مؤثر نبوده است. عوامل از هم گسیختگی خانواده و سن ازدواج، محیط زندگی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و دینداری

در بین زنان مجرم و زنان غیرمجرم دارای اختلاف معناداری است، به عبارت دیگر عوامل نام برده در به زندان افتادن زنان مؤثر بوده است.

تحقیقی در ایالت آلبرتا در سال ۱۹۹۰ با عنوان "بررسی تأثیر مذهب بر میزان ارتکاب جرم" صورت گرفته است. در این تحقیق متغیر مستقل حضور و مشارکت مذهبی و هم‌چنین قوت عقاید مذهبی و متغیرهای زمینه‌ای چون قومیت، جنس، سن و... بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچه سطح حضور و مشارکت مذهبی بالاتر باشد به همان نسبت میزان ارتکاب به جرم کمتر خواهد بود و هرچه قوت عقاید و باورهای مذهبی قویتر باشد، احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد (ریاحی، ۱۳۸۷).

روش

تحقیق حاضر از لحاظ روش پیمایشی و از نظر نوع کاربردی و مقطعی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، جوانان مجرم مرتکب جرم علیه اموال (با تاکید و مطالعه جوانان مرتکب به جرم سرقت) ساکن در شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ است. تعداد این جوانان ۵۰۰ نفر می‌باشد. از فرمول برآورد حجم نمونه برای جامعه محدود استفاده شده است. با این وصف حجم نمونه در این پژوهش تعداد ۲۰۱ نفر می‌باشد. ابزار و نحوه جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده که بر اساس متغیرهای تحقیق شاخص‌های آن‌ها تدوین و در پرسش‌نامه آورده شده است. پایایی پرسش‌نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳۳ برآورد شد، که حاکی از اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری می‌باشد. برای توصیف متغیرها از آماره‌های توصیفی مانند فراوانی، درصد و میانگین و برای بررسی معنی‌داری و میزان تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، ۸۵/۶ درصد کل افراد مورد بررسی، یعنی ۱۷۲ نفر، محل سکونت خود را نقاط شهری اعلام کرده‌اند و مجرمینی که محل سکونت خود را نقاط روستایی ذکر کرده‌اند ۲۳ نفر، یعنی ۱۱/۴ درصد مجرمین هستند. در شیوع و فراوانی ارتکاب جرم بر ضد اموال عمومی، بیشتر در گروه سنی جوان (۴۰-۱۶ ساله) قرار دارد. به طوری که ۹۲/۰ درصد افراد مورد بررسی، یعنی ۱۸۵ نفر در گروه سنی ۴۰-۱۶ ساله قرار دارد. سطح تحصیلات فرد مجرم قرار گرفتن بیشتر از ۶۶ درصد افراد مورد بررسی در سطح تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، حکایت از سطح پایین سواد مجرمین دارد. حدود ۶۳/۰ درصد پاسخگویان یعنی ۱۲۶ نفر دارای سابقه محکومیت قبلی هستند، این نشان می‌دهد که حدود ۶۳/۰ درصد پاسخگویان تکرار جرم داشته‌اند. و در میان افراد مورد بررسی افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا وجود ندارد. حدود نیمی از پاسخگویان (۴۸/۳ درصد) دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی از نوع طبقه پایین می‌باشد. طبقه متوسط هم با سهم بیشتر از ۱۳/۰ درصد جایگاه دوم را دارند. ۱۳۳ نفر از افرادی که مرتکب جرم بر علیه اموال عمومی شده‌اند، تعلقات اجتماعی در حد متوسط داشته‌اند و ۲۶ نفر از آنان تعلقات اجتماعی در حد زیاد و تنها ۱۳ نفر آنان تعلقات اجتماعی خود را در حد کم بیان کرده‌اند. ۸۶ از افرادی که مرتکب جرم بر علیه اموال عمومی شده‌اند، بیشتر در حد متوسط (۴۳/۴) با دوستان مجرم خود در ارتباط بوده‌اند و ۶۴ نفر برابر با ۳۲/۳ درصد از آنان نیز در حد زیاد با دوستان مجرم خود ارتباط داشته‌اند. ۱۰۴ نفر از افرادی که مرتکب جرم بر علیه اموال عمومی شده‌اند، دین‌داری در حد متوسط داشته‌اند. این در حالی است که ۴۰ نفر از آنان دین‌داری در حد زیاد دارند و تنها ۲۸ نفر از افرادی که مرتکب جرم بر علیه اموال عمومی شده‌اند دین‌داری در حد کم دارا می‌باشند. ۷۴ نفر یعنی حدود ۴۰/۰ درصد از افرادی که مرتکب جرم بر علیه

اموال عمومی شده‌اند، تاثیر تکنیک‌های پیشگیری وضعی را در کاهش میزان جرم در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند و حدود ۴۷/۰ درصد یعنی ۸۹ نفر از آنان تاثیر این تکنیک‌ها را در کاهش میزان جرم در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. فقط تنها ۳/۲ درصد از پاسخگویان تاثیر پیشگیری وضعی را در حد پایین تشخیص داده‌اند.

اولین بخش از خروجی بلوک (۱)، یعنی نتایج آزمون اوم نی بوس مربوط به ارزیابی کل مدل رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون اوم نی- بوس، برازش مدل در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است ($Sig = ۰/۰۰۰$). بنابراین قدرت تبیین مدل در سطح بالایی قرار دارد. میزان ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک بین ۱-۰ قرار دارد که هر چه به یک نزدیک‌تر باشند، بهتر می‌باشد. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که مقدار این ضرایب از ۰/۳۱۰ تا ۰/۵۵۶ متفاوت است. این به این معنی است که متغیرهای مستقلی که به مدل وارد شده‌اند از ۳۱/۰ درصد تا ۵۵/۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و این مقدار خوب و قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۲ - ضرایب لجیت

متغیرها	B ضریب رگرسیون استاندارد نشده	S.E خطای استاندارد	آماره والد	درجه آزادی	Sig	نسبت بخت‌ها exp (B)
میزان دینداری	-۱/۱۸۰	۰/۲۴۹	۲۲/۵۲۲	۱	۰/۰۰۰	۱/۴۰۸
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	- ۰/۰۹۴	۰/۰۲۰	۲۲/۲۷۴	۱	۰/۰۰۰	۰/۹۱۱
ارتباط با دوستان مجرم	۱/۵۵۷	۰/۲۶۳	۳۵/۰۳۱	۱	۰/۰۰۰	۱/۳۲۱
پیشگیری وضعی	- ۱/۴۰۳	۰/۲۵۷	۲۴/۲۳۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۸۵۱
ساختار خانواده	- ۰/۹۴۲	۰/۱۹۲	۲۸/۱۳۰	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۸۸

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، از ۶ متغیر وارد شده به مدل ۵ در مدل باقی مانده‌اند. متغیرهای که در مدل باقی مانده‌اند قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (ارتکاب جرم بر علیه اموال عمومی) هستند و توانایی پیش‌بینی آن‌ها در سطح خطای ۰/۰۱ درصد و

۰/۰۵ معنی دار را دارا می‌باشند. از طرفی، در میان متغیرهای باقی مانده در معادله، متغیر دینداری بیشترین تاثیر و متغیر ساختار خانواده کمترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارا می‌باشد.

از ۵ متغیر باقیمانده در مدل رگرسیون لجستیک، ۴ متغیر نقش عوامل اجتماعی و ۱ متغیر نقش عامل انتظامی را نشان می‌دهد. تاثیر ترتیبی این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به این قرار است که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان عوامل اجتماعی با تاثیر ۹۱ واحدی بر متغیر وابسته بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارد. متغیر تکنیک‌های پیشگیری وضعی در میان عامل انتظامی با میزان تاثیر ۸۵ واحدی در مقام دوم و متغیرهای میزان دینداری، ارتباط با دوستان مجرم و ساختار خانواده به ترتیب با تاثیر ۴۰، ۳۲ و ۸ واحدی در مقام‌های سوم تا پنجم تاثیر بر متغیر وابسته قرار دارند. میزان ارتباط با دوستان مجرم به طور مستقیم با ارتکاب جرم ارتباط دارد و بقیه ۴ متغیر با ارتکاب جرم رابطه معکوس دارند.

بحث و نتیجه گیری

فراوانی وقوع جرم در نقاط شهری به مراتب بیشتر از نقاط روستایی است (۸۵/۶ درصد نقاط شهری در برابر ۱۱/۴ درصد نقاط روستایی). فراوانی وقوع جرم در سن جوانی (۴۰ - ۱۴ ساله) می‌باشد.

۶۶ درصد از پاسخگویان که در عین حال مرتکب جرم هم شده‌اند دارای تحصیلات کمتر از مقطع راهنمایی هستند. ۱۵۹ نفر از پاسخگویان علی‌رغم داشتن تعلقات اجتماعی متوسط و بالا باز هم مرتکب جرم شده‌اند به نظر می‌رسد این متغیر در ارتکاب جرم نقش عمده‌ای بازی نمی‌کند. میزان وابستگی و حمایت عاطفی پاسخ‌گویان را در حد متوسط می‌باشد چون حدود ۷۴ درصد پاسخگویان این میزان را در

حد متوسط دارا هستند. میزان وابستگی مادی رابطه‌ای و فکری پاسخگویان را در حد بالا ارزیابی کرد.

ارتباط با دوستان مجرم، نقش خاصی در وقوع جرم دارد بر اساس یافته‌ها، ۱۵۰ نفر از پاسخگویان ارتباط در حد متوسط و زیاد با دوستان مجرم خود را عنوان کرده‌اند این با دیدگاه‌های رایج در زمینه کج‌روی کاملاً منطبق است گروه همسالان به عنوان دومین عامل جامعه‌پذیری فرد پس از خانواده در راهیابی فرد به اجتماعی خاص نقش کلیدی بازی می‌کند. میزان ارتباط با دوستان مجرم پاسخگویان را در حد متوسط و متوسط رو به بالا ارزیابی کرد به طوری که نیمی از پاسخگویان دارای ارتباط متوسط با دوستان مجرم بوده‌اند. پاسخگویانی که میزان دینداری اعتقادی در حد متوسط و متوسط رو به پایین را دارند به طوری که این دو رده بیشتر از دو سوم پاسخگویان را در بر می‌گیرند. بیش‌تر از نیمی از پاسخگویان بر نقش موثر تکنیک‌های پیشگیری وضعی در جلوگیری از وقوع جرم تاکید کرده‌اند به نظر می‌رسد طرح قضیه پیشگیری به عنوان یک تکنیک بیشتر موثر باشد تا اینکه به عنوان یک مسئله انتظامی امنیتی به آن نگاه شود در واقع برخورد با هر پدیده اجتماعی در دنیای امروز چه مثبت باشد چه منفی، نیازمند بکارگیری تکنیک‌هایی است که بتوان به گونه‌ای علمی با مسئله برخورد کرد و به حل مقطعی و بلند مدت مسئله رهنمون شد. فقط ۸۵ نفر از پاسخ‌گویان نقش سخت کردن جرم، در جلوگیری از ارتکاب به جرم را در حد کم و متوسط ارزیابی کرده‌اند. میزان تاثیر سخت کردن جرم را در ارتکاب جرم از نظر پاسخگویان در حد بالا و متوسط رو به بالا ارزیابی کرد به طوری که تقریباً تمامی پاسخگویان در دو رده بالا و متوسط قرار دارند. میزان تاثیر افزایش خطر جرم را از نظر پاسخگویان در حد بالا و متوسط رو به بالا ارزیابی کرد به طوری که تقریباً تمامی پاسخگویان در دو رده بالا و متوسط قرار دارند. میزان تاثیر کاهش منافع جرم را از نظر پاسخگویان در حد بالا و

متوسط رو به بالا ارزیابی کرد به طوری که تقریباً ۱۰۰/۰ درصد پاسخگویان در دو رده بالا و متوسط قرار می‌گیرند و این یعنی تاثیر کاهش منافع جرم در حد بالا و متوسط رو به بالا است.

فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های خانواده (بعد خانواده، طلاق و...) و میزان جرایم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک اولین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود ($\text{sig } p = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با ساختار خانواده که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق دارد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به کارکرد گرایی ساختاری، نظریه کنترل قدرت و نظریه آنومی و ساختار خانواده ویلیام گود اشاره کرد که در زیر به طور خلاصه در مورد این نظریه‌ها بحث شده است. تئوری‌های کارکردگرایی ساختاری بر روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نوا کردن رفتار آن‌ها با ارزش‌های اصلی جامعه می‌پردازند، تمرکز می‌کند (Hagan, ۱۹۹۴: ۳۲) به نقل از گلچین، (۱۳۸۵). نظریه کنترل قدرت دومین نظریه‌ای است که نتیجه آزمون فرضیه شماره یک را تأیید و متقابلاً فرضیه هم نظریه را تأیید می‌کند. این تئوری در مورد رابطه‌ی بین جنسیت و جرم است و این که چطور کنترل‌های خانوادگی بر مردان و زنان تأثیرات متفاوتی دارند. تفاوت در ساختارهای خانوادگی به خصوص بین خانواده‌هایی که پدر سالاری در آن‌ها کم است و زنان عاملیت بیشتری دارند منجر به کاهش انحراف در بین پسران می‌شود (Bill, 1999: 761-762).

فرضیه شماره دو: به نظر می‌رسد بین دوستی با افراد دارای سابقه جرم (ارتباط با بزه-کاران) و میزان جرایم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک دومین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود ($\text{sig } p = 0/000 < 0/05$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با گروه همسالان و دوستان، که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق دارد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه همنشینی افتراقی ساترلند و نظریه خرده فرهنگ بزه‌کار والتر میلر اشاره کرد که در زیر به خلاصه‌ای از این نظریه‌ها و چگونگی ارتباط آن با فرضیه فوق اشاره می‌شود.

نظریه ساترلند، اساساً مبتنی بر کنش متقابل اجتماعی است. بنابراین ساترلند نتیجه گرفته است که کج رفتاری را می‌توان به بهترین وجهی از راه اصول یادگیری اجتماعی توضیح داد تا از طریق اصول روان‌شناسی نابهنجار (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). در مطالعه انحراف، مسئله اجتماعی از منظر ساترلند ناشی از امکان همنشینی با دوستان و وضعیت‌های ناباب تلقی می‌کند. ساترلند در سطح خرد بر نظریه انحراف رفتاری تأکید کرد چون (هنگامی فرد مجرم می‌شود که با الگوهای رفتاری مجرمانه تماس یافته و از رفتار ضد مجرمانه مبرا گردد) (ساترلند، ۱۹۸۲، ص ۷۶).

فرضیه شماره سه: به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد با میزان جرم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک سومین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود ($\text{sig } p = 0/000 < 0/05$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با پایگاه اقتصادی - اجتماعی که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق دارد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به

فرصت افتراقی ریچارد ا. کلوارد و لوید ای. اولین و ناکامی منزلتی آلبرت کوهن اشاره کرد.

نظریه فرصت افتراقی فرض را بر این می‌گذارد که اشخاص پرورش یافته در محلات پرازدحام و فقرزده، اهداف مرسوم را می‌پذیرند و تصدیق می‌کنند؛ اهدافی که در واقع متعلق به طبقات متوسط جامعه است. پس تأکید می‌کند که شکل‌گیری بزه در میان این افراد، از این تمایزات نشأت می‌گیرد و در واقع، واکنشی است که برابر نوعی فشار ناشی از کشش، بین آنچه فرد می‌خواهد و آنچه امکان دسترسی بدان را دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۳۳۹-۳۳۷).

فرضیه شماره چهار: به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و میزان جرم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک چهارمین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود ($\text{sig } p = 0/000 < 0/05$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با دینداری که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق دارد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه، دورکیم، کینگزلی دیویس، ماکس وبر و گلاک و استارک اشاره کرد.

هاری آلپر، چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم این گونه بیان می‌کند:

الف) انضباط بخش بودن (با ایجاد تقوا)؛ ب) انسجام بخش بود (با مراسم)؛ ج) حیات بخش بود (با انتقال ارزش‌ها)؛ د) خوشبختی بود (با الهام به امید و آرامش) (فراست خواه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

در مورد چگونگی ارتباط دینداری و ارتكاب جرم بر علیه اموال عمومی با نظریه‌های دینداری باید گفت که، در دوران معاصر از دین به عنوان یکی از عوامل آرامش بخش، آگاه‌کننده وجدان، هدایتگر، عامل واقف بودن به جدایی مال خود از غیر،

کنترل کننده نفس و... نام برده می‌شود. حال با توجه به نتیجه آزمون فرضیه شماره چهار و کارکردهای که هاری آلپر برای دین از دیدگاه دورکیم برشمرده می‌توان گفت انضباط بخش بودن و انسجام بخش بودن دین دو عامل اساسی در کنترل ارتکاب جرم نزد افراد دیندار می‌باشد. اینجاست که آزمون فرضیه شماره چهار به ما می‌گوید دیندار بودن یا غیردیندار بودن باعث ایجاد تفاوت در ارتکاب به جرم بر علیه اموال عمومی است.

فرضیه شماره پنج: به نظر می‌رسد بین تعلقات اجتماعی و میزان جرم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک پنجمین فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود ($\text{sig } p = 0/831 < 0/05$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با تعلقات اجتماعی که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق ندارد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه، حمایت گروهی و کزرفتاری لسنوف و وستلی اشاره کرد.

فرضیه شماره شش: به نظر می‌رسد بین تکنیک‌های پیشگیری وضعی و میزان جرم ارتكابی علیه اموال (در جامعه مورد مطالعه) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحلیل رگرسیون لجستیک فرضیه تحقیق تأیید می‌شود ($< 0/05$) ($\text{sig } p = 0/000$). با نگاه به نظریه‌های مرتبط با پیشگیری وضعی که در این پژوهش مطرح شده است می‌توان گفت که، آنچه در این نظریه‌ها مطرح شده است با نتایج آزمون فرضیه فوق انطباق دارد. از جمله این نظریه‌ها میتوان به نظریه تکنیک‌های پیشگیری وضعی (فنون پیشگیری) که توسط کلارک (۱۹۹۳) ارائه شد. این تکنیک‌ها در پنج دسته ارائه شد که سه تدبیر در این پژوهش بکار گرفته شده است که عبارتند از: تدابیر سخت کردن جرم، تدبیر افزایش خطرات جرم و کاهش منافع قابل پیش بینی

حاصل از جرم از طریق از دسترس خارج کردن آماج جرم، مشخص کردن اموال، کاهش وسوسه و نهایتاً از بین بردن منافع جرم بود (محمدنسل، ۱۳۸۷).

جمع بندی فرضیه ها:

نقش ۸۵ واحدی عامل انتظامی یعنی تکنیک‌های پیشگیری وضعی، به تنهای بیشتر از سه عامل اجتماعی یعنی میزان دینداری، ارتباط با دوستان مجرم و ساختار خانواده می- باشد این به این معنی است که موثرترین متغیرها، در تبیین متغیر وابسته یعنی ارتکاب جرم بر علیه اموال عمومی، عبارتند از: پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تکنیک‌های پیشگیری وضعی.

پیشنهادات:

- ✓ استفاده از افراد سالم و صلاحیت‌دار در برخورد با مجرمین؛
- ✓ پوشش اطلاعاتی صحیح و به موقع در خصوص نقاط جرم خیز؛
- ✓ ساماندهی معیشت اقتصادی افراد طبقات پایین جامعه؛
- ✓ برخورد قاطعانه با مجرمین؛
- ✓ ساماندهی راه کارهای امنیتی و انتظامی در مبارزه با ارتکاب جرم؛
- ✓ هماهنگی مراکز متعدد تصمیم‌گیری در مورد مبارزه با جرم و بزه کاری با توجه به انواع متعدد آن؛
- ✓ ایجاد سیستم‌های گشت منظم انتظامی به ویژه در شب و در فصول فراوانی جرم (مانند ایام تعطیل).
- ✓ انجام اقدامات پیشگیرانه توسط سازمان‌های مرتبط و مسئول با پدیده بزه کاری از جمله آموزش و پرورش و سازمان زندان‌ها.
- ✓ استفاده از روش‌های تبلیغی مناسب در جهت هدایت افکار عمومی به منظور حفظ و نگه داری از اموال خود؛
- ✓ آموزش جامعه از سطوح پایین، آموزشی و نهادینه‌شدن حس احترام به قانون؛

- ✓ تقویت افکار در خصوص جامعه‌گرایی و مبارزه با فردگرایی غیر معمول؛
- ✓ تقویت افکار در راستای قانون‌گرایی در امر مبارزه با مجرمین؛
- ✓ تقویت مبانی مذهبی و اعتقادی مردم.
- ✓ از بین بردن فقر و محرومیت با توجه به تأثیر مهمی که اوضاع نابسامان اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها در ارتکاب به سرقت دارد که تأثیر آن به وضوح روشن بود.
- ✓ فعال شدن نهادهای دولتی جهت آموزش روابط اجتماعی به خانواده‌ها جهت حفظ کیان خانواده.
- ✓ نظارت پدر و مادر به طور کلی در مورد دوستان فرزند خود یک ضرورت است.
- ✓ والدین در خانواده‌ها به فرزندان خود مسئولیت داده و حس مسئولیت را در آنان به وجود آورند در واقع دستور اسلام مبنی بر وزیر قرار دادن فرزندان در دوره سوم زندگی از ۱۴ سالگی عملی نمایند.
- ✓ تشویق مردم به افزایش مشارکت اجتماعی برای ایجاد امنیت.
- ✓ استفاده از وسایل الکترونیکی هشدار دهنده؛
- ✓ انجام مصاحبه‌های عمیق با سارقان جهت شناسایی ریشه‌ها و علل ارتکاب جرم.
- ✓ آموزش روش‌های سرقت توسط سارقین به ماموران.
- ✓ بکارگیری نگهبان محله، برنامه‌ریزی جهت استفاده از توانایی ساکنان محل جهت شناسایی سرقت‌ها.
- ✓ کنترل و نظارت غیرمستقیم و نامحسوس بر افراد سابقه‌دار در زمینه سرقت.
- ✓ مکان‌یابی پاسگاه‌ها و کلانتری‌های جدید با حداکثر پوشش سلامت.
- ✓ بالا بردن سطح آگاهی شهروندان با تهیه و چاپ بروشورهای آموزشی.
- ✓ برگزاری برنامه‌های آموزشی در رادیو و تلویزیون.

✓ کاهش سود ناشی از ارتکاب سرقت از طریق اختلال در بازار معامله اموال مسروقه.

✓ جذب نظامند مشارکت‌های مردی با رویکرد مذهبی در شهر سنندج در راستای پیشگیری از سرقت.

سپاسگزاری:

نویسندگان مقاله حاضر بر خود لازم می‌دانند از همه دست‌اندرکاران فرماندهی انتظامی استان کردستان قدردانی به عمل آورند.

فهرست منابع

کاظمی، اصغر (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم با تاکید بر میزان دینداری (مطالعه موردی: زندانیان استان قم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کجروی، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم.

شومیکر، دونالدجی (۱۳۸۹)، نظریه‌های بزهکاری، صغری ابراهیمی قوام، تهران، انتشارات دانشگاه انتظامی.

گلچین، مسعود (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۵.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تهران.

زنگنه، محمد (۱۳۸۳)، بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان، مورد مطالعه: استان بوشهر، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فراست‌خواه، مقصود (۱۳۷۷)، دین و جامعه، تهران، سهامی انتشار

اشرف، احمد (۱۳۵۴)، کژرفتاری مسائل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.

• ممتاز، فریده، (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، شرکت سهامی انتشار، تهران.

• صفوی، امان‌ا... (۱۳۷۰)، تئوری‌های انحراف، رشد علوم اجتماعی، شماره ۶ و ۷، وزارت آموزش و پرورش.

• بیابانی، آزیتا (۱۳۸۱)، بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با نوگرایی دینی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، پلیس و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات پلیس پیشگیری و معاونت آموزش ناجا.

قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۱)، جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.

مرادی، علی (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب سرقت در میان نوجوانان شهر کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

ملکیان، لینا و سعید شریفیان (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر جرم در بین زنان زندانی، دانشگاه آزاد رودهن.

ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر مذهب بر میزان مصرف سیگار و مشروبات الکلی، فصل‌نو (مجله اینترنتی علوم اجتماعی)، سال دوم، شماره ۵۰، یکشنبه

۱۲ خرداد.

Bill Mc Carthy, John Hagan, Thdd. Woodward (1999). In the company of Woman: structure and Agency in a Revised Power – control Theory of Gender and Delinquency, Criminology, vol 37, no 4
Sutherland E.H.(1982) Theory of Differential Association. in R

Jackale, M.R.(2005), A Comparison Of Afrcan- American and white Male Drrug Addicrs. Vol 56 , n 4

Hagan, j (1994) Crime & Disrepute U.S.A, Pine Froge Press.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی